

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

خطی

۱۵۰۶۴

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

۱۲۰۰۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: تالیف: در علم جینی

مؤلف: نجفی بن محمد (۱۲۹۱ هـ) - ترجمه: محمد باقر

مترجم: ۱۲۹۱ - کتب مطبوعه

شماره قفسه: ۱۵۰۶۴

جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب: ۹۰۵۷۸

۱۲

۱۲۰۰۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: تالیف: در علم جینی

مؤلف: نجفی بن محمد (۱۲۹۱ هـ) - ترجمه: محمد باقر

مترجم: ۱۲۹۱ - کتب مطبوعه

شماره قفسه: ۱۵۰۶۴

جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب: ۹۰۵۷۸

۱۵.۶۴
۹.۵۷۸





بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و ستائش سبحان طاعت اعدا شده از آن عاجز آید و بگوید
و سپاسی که معجزات صبح با او در کفستان بقیع اعراف پیدا
نموده و اسرار غفاری که اربع و قانع ماضیه و حوادث
منوط باراده و تقدیر اوست و در یکی چندین شکل مختلفه و صور متغییه
مربوط بخیمه شکل و ظلم تصویر اوست بیت را با فکده قطره می
ترنم و در نقطه در شکل از آن قطره لولوی لا کند و از آن

سر و بالا کند و بعد صلوات و صلوات فایحات که نیم ریاض و وس
از راجحه معطران غایب سانی در یوزه کند و تحت قلیات طیب که باد
روح اقرای بشتا طیب و یاج ان عطر امیری ستاره نماید بر
معدن مرقده نور شمع روز شمس صاحب کله اما اول الاخریت

امام رسل پیش ای سبیل امین خدای جبریل کلیمی که صرخ فلک طور
اوست همه نور ناپتونور اوست بر روان صبی جانشین او
علی ابن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه و عمرت احباب و با
اما بعد و ز زمان و لک سلطنت بنو عباس و اول خلیفه نجیب
و ششاه خورشید افروز و درون تخت ظریف دان و از جهان با
اسم امان ارشاد ملک سلیمان السلطان ابن السلطان ابن السلطان

جهان خدای خدایه ناصر الدین شاه علی بیضاچه بودل شعار
 شمس که بخط قوروسه سوره کیده خضی خطی کسید و دارا
 سکر که از قوروسه قاجار فرود ایدان اقدار و قیمت مقدار معلوم
 آگاه و صا جان بصیرت اید بود که در عهد سلطنت این خسرو مجاهد کون
 بارگاه مآچه و چه درجه آسودگی رفایست بجه خلایق و روز و مک
 میسر است که سرگاه کتب تاریخ را ملاحظه کند و باویده بصیرت
 فرماید سکر نعمت ای اسب قدوم و نجیب شاه حجاز بجای اید
 که در مملکت ایران خلایق این سال چقدر نبینوات ماضیه
 و فارغ البال میباشند در این اوقات شریفه که تعویض اسوار
 مملکت ایران بکف نهایت جناب سطا باجل اکر م اعظم حاجی یز

سینه

حسینان شیرالدوله العلیه العالمیه و رجب عظم سپهسالار اعظم و ام
 اقباله العالی موضوع مرجع میباشند و توجه خود را مصروف بظرف
 امور نظام میفرمایند و دارای هر علم و صنعتی السوفی رغب میباشند
 بخصوص خانه را دان و تسلط بدست می کشد و رایت و تمیز میباشند
 چو آب نیل که سطلی از و شود و مخلوط و لی تعجبی سوره و تر بودار ما
 از جمله خانه را دان و تسلط می کشد و رایت و تمیز میباشند
 باو جان بکری قاجار که چندین سال در مدرسه دارالفنون تحصیل علوم
 پیاده نظام اشتغال نموده و کتابهای که متعلق بعلوم و ادب و جنگ
 میباشند بسیار میخواند و بعد با کاه میو اندرانی معلم علم پیاده نظام
 تحصیل ترجمه و تصحیح نموده و فواید کلی بجه کلیه سپاه دار و پیش بکار

خافانی بود **فصل اول** در سان رود زون لازم است ملاحظه کرد و شود
 اولاً رود را در محل در چه مکان قرار داد بعد از این محل اردو
 ملاحظه کرد و می شود در او چند چیز **اول** که نگاه بشکری باید خوب باشد
دوم زمینی که در مقابل رود میباشد باید سطح باشد بقدر تیررس پوت
اعلاسم باید در اطراف عقب بار دو نیمه کاهی باشد اریل موافق طبع
چهارم باید چگونه مدافعه نمود در وقت حمله دشمن **پنجم** باید ملاحظه نمود
 در رود را باز از منهدل در برزگی که کچی محل **ششم** باید که نگاه بشکری
 طوری باشد که باسانی مدورفت شود بار **هفتم** باید محل اردو
 قسمی باشد که باسانی محل قتل اردو و لشکر را بتوان نمود و باید ملاحظه
 کرد محل اردو را نسبت به دمان حیوانات **اول** محل اردو را باید

جانی قرار داد که خوش آب و هوا باشد که بواسطه بدی آب هوا
 ضرری به دمان حیوانات ارنیاید **دوم** نزدیک آب باشد **سیم** از
 باطلاتی دور باشد **چهارم** نزدیک بخکی باشد فصلستان زیارت محل
 میرم بجای شکران **پنجم** نزدیک بجای باشد بجای محل اردو و چهار پامان
 اریل کاه و جو و غیره محل اردو می لشکر را باید در جانی قرار داد که
 از هر است کوره خالی نباشد بقدر توجه و یافت شدن مکان
 عقلت نورزد و چمن کاه محل اردو در جانی اقع باشد که بیع
 مذکور به بطور سهولت عاید شود لاکرین اسطه ان محل ضون دشمن
 بتواند دست سب بار و برساند ان محل ان طرومات مذکور
 کلیه بمصرف است نمی توان ان محل توقف نمود و نیز بمصرف است

محل که آب داشته باشد لکن باندک زمانی خشک شود و کفاف
 زمان مطلوب را نداند نباید توقف نمود محل اردو را جانی باید
 که محفوظ باشد از سر دشمن تا بوسیله حمله دشمن نمانیم و عقب
 نشینیم و کدرا که لشکر را باید تیر اولان بپارند و در سر کدرا که
 قراولان متعبد باید باشد و سرگاه کدرا که لشکر خبر یک راه باشد
 از قبیل پل و تنگه لازم است قراولان متعبد که نگاه داری تنگه و
 پل نمایند و نگذارند دشمن از آن عبور نماید پس قراولان
 مذکور لازم دارد و اطراف اردو و تخیر قراول بفاصله دو
 قدم یا سیصد قدم گذاشته شود که این تخیر نامیده میشود و تخیر
 پیش قراول در صورتیکه اردو را در بلندای قبیل پیش قراول

دهند باید در اطراف سه تخیر پیش قراول قرار داد و محل
 قراول باید در جانی بود که مرتفع باشد و بلند تر از سایر جاها
 که بتوانند اطراف خودشان مشاهده نمایند اگر قراولان
 مذکور به تیره حمله سوار دشمن نیم داشته باشند باید قلعه قور
 کوچک تیره خودشان بپارند تا بواسطه این قلعه تاب مقاومت
 در مقابل سواره دشمن پیش قراولان دشمن بپایند و
 قراولان و رار و در میان تیرل اردو بدون چادر
 در طریقه قرار دادن اردو باید اردو به قسم اردو داند
 خط دشمنان باشد و خط دشمنان بر قراولان پوشیده باشد
 بواسطه اردو و تخیر دشمن محاکمه خط دشمنان بر باطلان

باید اردوی ایشان هم بهمین فاصله باشد قاعده کلیه ار بر آن
 نگاه داشتن فاصله و شتاب هر باطلایان اردو که ار بر آن
 توپخانه و سواره و پیاده تعیین شود باید بقدر مقتدر و مناسب
 وقت قرار داد اردو را در یک خط و در دو خط و در اطراف
 که همیشه شصت و میسره قشون باشد سواره و ار عقب قشون پست
 سرگاه محل اردو در جایی باشد مثلاً در قسمتی که ان مقطع شده است
 بواسطه رودخانه یا باطلای غیره در این صورت اردوی پیاده
 در جلو و سواره و عقب پیاده در صورتی که زمین مسطح باشد
 چادرها لازم است که در یک خط باشد و محاذی یکدیگر اندازده
 اردو گرفته میشود و از سمت است پست قشون اردو را ترتیب میدهند

بر تریب طو مار بند می افواج فاصله خط و شتابان سواره و پیاده
 باید چاه زرع باشد و فاصله چاه سربازان ریش و وی
 اردو می و شان باشد بقا فاصله ده زرع میانین رقب سربازان
 چادر میزنند بقا فاصله پانزده زرع و چادر سلطانان رقب
 میانین بقا فاصله پانزده زرع و چادر باید کنار و بروی یکدیگر
 باشد سرچ شش فرج ار سربازان و شان اردو قرار میدهند
 نیمه خط اردو می و شان تکلیف مشق اول اردو بواسطه بخیر
 مشق اول باید پوشیده شود خط اردو می مشق اول باید سبک
 داشته باشد در زیادتی و کمی اردو در فاصله سرجه قشون مشق
 باید فاصله مشق اول هم زیادتر باشد تا خط قشون

مرکب که قشون کم تر باشد باید فاصله پیش از اول هم کم تر باشد
 حاصی پیش از اول باید همیشه شویار و چالاک باشد بجهت این که
 قشون دشمن را حمله نیاورد تا اینکه جمع اردو آید و جنگ شوند در
 صورتی که محل اردو در چمن یا جانی سطح باشد پیش از اول مرکب است
 از پیاده و سواره لکن سواره باید زیاد تر از پیاده باشد و در صورتی
 که محل اردو در زمین سطح یا در چمنی باشد که بواسطه رودخانه یا غرقه
 آن محل معطوف شده باشد در این صورت پیش از اول آن مرکب است
 از پیاده و سواره لکن باید پیاده زیاد تر باشد از سواره و اگر
 محل اردو کوه یا تپه باشد جمع پیش از اول باید از پیاده باشد
 بدون سواره باید معطوف بدین پیش از اول چمن و دشت را

از سر دشمن بواسطه دشت یا سنگ یا خردیکه و پیش از اول معطوف
 بر سه قسم قراول بزرگ قراول پیش قراول تکلیف قراول
 قراول بزرگ لازم است که محلی بجهت خودشان تعیین نماید که بواسطه
 آن محل محفوظ از سر دشمن شود قراولان بزرگ را مأمور نمایند
 قراولان بزرگ را در پیش رو چمن و دشتان بفاصله دو دست قدم
 و قراولان بزرگ بواسطه قراولان بزرگ پیش قراول باید بثلث جمعیت
 قراول بزرگ را داشته باشند و قراولان بزرگ بواسطه قراولان
 بزرگ مستند قراولان بزرگ را میفرستند پیش روی خودشان به
 فاصله که اقتضا نماید و این قراولان که نامیده میشوند قراولان
 جدید باید خودشان را محافظت کند از سر دشمن نسبت بدشت

یا سبک یا غیره و باید این قراولان چند متعه و نوشیار باشند
 که کسی از قشون دشمن متوجه آمدن از فاصله ایشان بگذرد و داخل اردو
 شود باید قراولان کوره و غیره باشند از حالت یکدیگر بواسطه کوره
 بخصوص در شب پیش قراولان باید محل پیش اول رک را بدست
 که بدون حمت و رفت بر قراولان رک بخت همان محله که
 پیش قدم اول دید دشمن بای حمله را در و خبر میدهند بعد بقتل
 مشر او و لایکه بواسطه قراولان جمع شدند یکی متعاقب بقراول
 بزرگ میشوند و قراولان بزرگ همین که دیدند باز دشمن زیاد در محله
 و پیش باید جنگ و کرب کرده بقدر امکان سید دشمن را باخبر
 میاندازند و خود را بقشون میرسانند و باید قراولان طایفه ری گشت

بنماید که خود را بجای سید اندازد و از حمت جلد شود و لازم است که
 باید اری کنند از برای اینکه شوق و اشتیاق باشند که مسلح
 و آماده جنگ شوند چو یک ششون دشمن پیشین ابر اکند و مبارزه
 باید زنجیر قراولان او چند ان بنامه تا خاطر جمع باشد و پیش اولان
 بنامه از جانی دشمن غایب شود تکلیف کرده و در اردو بدو طریق است
 یکی دفعی و دیگری دفعی کرده و دفعی انسانی میباشند که سرکشی قراولان
 کل انبانی و نگه دار کسی از برای اجباری رود و باید این قسم کرده
 مرکب است از سه یا چهار نفر سربار که محکوم بحکم یک نفر وکیل یا
 سرجود باشد و میتوان پیش از چند قدم از خطر بحر پیش اولان
 پیش بروند سرکاه اس کرده تا قراول را در خواب بیند بجا

تو همی نمایند تا خبر از قراولان رک برسد اگر این کار نه نامم
 از دور و نزدیک بشوند تا بجانبان میشود که شخص قال و قیل را
 نمایند که نه رفی باید روشن یا در آن کار نه رفی باشد ما بود ایر
 پیش او لایان بیرون بروند و در شوشه از برای خبر شدن
 حالت دشمن و جمعیت هر کایکه کرده است یا در نظر دارد و برین
 کار نه باید مشورتی بدین راه را در یکدیگر که سهولت از پیش
 دشمن است بروند و باید در این کار که نه نامی بطوری باشد
 که نه زیاد و با جرات نه زیاد و کم جرات باشند و باید زیاد و با
 باشد اجتناب نمایند از شنیدن و ننگ کردن باید که در خلعت
 داشته باشند کی عقل و کی احتیاط و دیگری جرات و سوره الهی که

صاحب منصب از بر رک خودشان بجز که کفایت طالعانی نمی باشد
 باید خود با اتفاق وقت حرکت نمایند و رفتار کنند در میان اطلاع
 حالات دشمن از برای شناسائی لطیفی بین اطلاع کیفیت
 احوال دشمن معصود از اطلاع حالت دشمن مکی است که به اندر
 انجا جنگ میکند و نیز فهمیدن اینکه این ملک از سایر ممالک برتری
 دارد و برینست راست از غیبت این قسم عمل متعلق است بجهان
 یا سرداری که تعیین شده است نیز اطلاع دشمن و قسم است
 او لا اطلاع کیفیت همه روزه انجا است مایا اطلاع دیگر از برای قسم
 اول خبر که لازم است است که همه روزه اول صبح از اردو
 بیرون رود و قوت آنها بخوابد مناسب داشته باشد جمعیت

خودشان زیادهائی کمی باشد قدری پیش اول بگذرد مقصود
ازین عمل اجتناب از حمله آکناف دشمن است و گرفتار نمودن ایشان
در حق آنهاست شبهه ششانی حرکتی است که از دشمن
می شود این قسم ماموریت باید بسیار مخفی باشد و بخصوص سردار
باید یکی از جنگ دشمن اجتناب نماید در صورتیکه مجبور بر جدال شود
اول تکلیف در مراجعت است یعنی بطوری مراجعت کند و عیب
که دشمن چنین قصد که شکست خورده اند اگر چه قصد در پایداری جدا
باقی است در صورتیکه دارد بکافی گردیده که امر شده بود باید
نماید و بقدر امکان شکر خود را نمی دارند و خود باید نظرات
سربازان باید پیش قدم اطلاع از حالت دشمن بهم برسانند

وقت که این صاحب منصب این سردار ماموریت در اقسامی
نماید بار دومی و مراجعت نماید حقیقت حال در ایام که اگر
که دیده است هیچ خبر را فرود که از حمله و همه پیش اولان
و کوچک باید بکل و مسلح شده و مقرر باشد تا قتی که سایر قیون
در بیرون استند قسم دوم است اسی جنگ برک و کوچک
ازین اطلاع شناسائی حالت دشمن است از باب معاوضت با
در نقطه که بتوان را انجام باید جنگ نمود اما باید زنی که میوان
در انجام نمود تعیین کرد که از خطه جنگ ایمن و در منافع کلی حاصل
و باید ملاحظه نمود از اینکه باید عبور نماید چیزی بقیت یا اگر
شده است باید سعی نمود در ملاحظه نمود که سکه ایکه در اد بوده است

دشمن و راستی که کرده است اخیر برای این قسم اطلاع می یابد
 یک صاحب منصبی را که بشود در انتخاب نماید که مرکب از چندین قسم
 قشون بهر احوالی باشد در صورتیکه رفعت و مقام نماید بی باطن
 و بکل و سایر مواضع طبیعی اطلاع سردار بداند اگر ممکن باشد
 راسی غور نماید که مواضع در راه باشد با این قشون که
 بجهت اطلاعات می رود همیشه مسلح و بکل باشند تا وقتی که از پیش
 مراجعت نماید در صورتیکه صاحب منصبی را که این جمع است قابل
 و با احتیاط باشد می تواند بدون جنگ احوال دشمن مطلع شود
 اینکه یک تیر تیر انداخته شود و زنا که این قشون باید بجای برسد که
 قرار داده شده است بزرگان جمع حکم توقف نماید و بگذرد

داده و لایات و دوات قریب آن مکان ایستاده و می نویسد
 جمع قواعد مزوره و کیفیات بخارا از راه و طول سارل قاصد
 دوات و شداد و شناختن بهاد و غنی بستان صاحبان این
 از کجا میاید و کجا می رود و مخفی اند نوشته که این لایات با دوات
 بود یا مخرب و ملاحظه می کند زمینی که در انبار راعت میاید پر قوت است
 یا کم قوت و خرمایی که در آن لایات می شود از او میان رعایا
 آن لایات می رسد و می نویسد که جمیع قشون ولایتی چه در راه
 و چه در اسب اسباب پیدا می شود و چه در کار و کوه و غنچه و چه
 عراده بجهت حمل نقل پیدا می شود و این صاحب منصب نقشه انبار را
 با همه اخبار و ملاحظاتی که کمال وقت اطلاع و این نقشه خواهد بود

دار و بجهت سه دار کل سائر قشون قاعده و کلیه حمله باین مأمور
 یک نفر صاحب منصب مهندس باید رود و بجهت کارنامه تعلق است
 و بزرگ این مأمورین پیش از آنکه از اردو بیرون روند و شمشیر بکشند و میروند
 باید از سر و از کل قسم از نامه خاطر جمع گیرند و آن قرار نامه را
 باید دست بدهد و درست نگاه بکند به تعینک سر بزرگان که جز
 باشد و یک دور بین بکند و بهر افریغ و شمشیر بچند نفر از رعایای خود
 ولایت که بلد ولایت باشند و توجه و مواظبت بعمل بیاورد و این
 اشخاص که بهر افریغ خود میروند و ضامن بگیرد که کیفیت راه را و دست
 نشان بدهد و تعریف بکند که در قشون چه دیده که عادت بجز
 گرفته است بکین که در قشون ایشان شکل است بزرگ اهل کین باین

محتاط باشد که خودش بکند و شمن بکند و کرفتن اول شمن و نیز
 کرفتن جمعی که از اردو بجای میروند و خاص بکین که در قشون روان
 و باید ملاحظه کرد که محل کین بین اینجا با سلسله کانه بچه قسم است
 و که ام اسلحه در آن مکان با فایده خواهد بود که پیش از آنکه شود
 لشکر بکند بجهت کین مأمور است باید شب بروود و باید از راه
 محل کین و لشکر بروود و بجهت اینکه سر کاه در این راه بر خورد بکسی
 انکس میزند که بجای میروند و فریب بخورد و بدین اسطوره
 ارجح اشخاصی که در این راه بر میخورند بشون بفرستند و مطلع کردند
 که بچه خیال بکند ام مست میروند و فوئی که بجهت کین میروند بجهت
 بالا با بحان مسیح و جلیل و شیور و فوئی و غیره بزند که مباد بکسی

خبر شود و همچنین باید همه قتل و مال کنند و بدو نیکه بایک
 هیچ وجه شکم شود باید بطوری کند که از ایشان حدانی بیرون نیفتد
 و همچنین باید هر ادش را از چهره پادمان مطلع باشد تا حد انجامد
 که بواسطه حد ای چهره پادمان شن مطلع بهم برسد اگر مالی باشد
 که وجود آن لازم باشد باید اسباحتی چون حدانی کند چنانچه این عینی ارد
 جمعی از سربازان که بجهت کین میروند باید سرباز ایشان سرباز خبر
 باشد و پوشیده شود بواسطه سرباز مجسمه آن سرباز خبر آن باید حد
 در اطراف و حیثیت و تفحص باشد که دشمن رجالی پنهان نشده باشد
 که دشمن را کین انا افتاده و سیکه دشمن شود خون مجرمان یا
 سرکشی که درین راه بقیه کلتا و سیکه نموده و بر پیشانی او

و قراولان به توجه شوند اشخاصی که از دشمن شن است و ازین
 و اگر لازم باشد از خبر نموده که ایشان هم به بند و قریب کین کردن
 محل کین کار را میباید آن احباب کرد و لیکن محاسبه باید ملاحظه زمین انجامد که
 بناسبت زمین شرط کرد که اقتضا نماید در آن محل کین نماید مروتی که محل
 کین ارد باید تفحص نماید و مقام خوبی کین کنند بجهت کین کردن قتل
 دره و امور و بخل و نور و زمین که حاصل ارد و پنهان و درو و خاک چینی
 که علف بلند داشته باشد تا بتواند در میان آن علف بکین نماید
 حیاب را می محل کین با مصرف است برنج و باقتضای قتل که کم
 بهتر است محل کین ارد و سبب قتل بجهت کین با مروتی که باید تقسیم
 شود بجهت قتل و باید مرتب شود بجهت کین که در سر طرف دشمن توانند

محله نماید در صورت امکان الا از دو طرف لازم است موصوفه
 نامور بکنین باشد هرگاه سوار باشد باید در عقب باشد که از حد
 اسب نماند و شمن اطلاع بهم نرساند و عهد نماید که از حد
 و غیره غیاث حق را در آنجا که از باب سلسله شمن خبر داد
 بشود و باید کمال سواطع را داشته باشد که چرخش ریش را
 زمین نماند و باید در محلی که خیال کین کردن او اندازد از او خارج
 محل رفته که ششانی در منور را در محل نماند اگر ممکن شود
 در روز قیامت و محل مکان کین است باید نصفان را راحه
 لیکن شب جمعا بحالت نظامی باشد و قطره نشان اجاب
 مبارک خودشان قرار کند اروه اند باشد سربازانیکه در کین

نباید مطلقا از مکان محل و حرکت نماید لیکن هر وقت بزرگان
 مصلحت بداند از آن ریزون قن میدد قشویکه بجهت کین و شمن
 بزرگان باید نشان مخصوص بان داده باشد هر کس سر و ار قضا
 هنگام حله کردن او است اخبار میدد از حیل طلب باشد و یا سلیک
 منجس این اخبار جمع سربازان باید یک مرتبه شمن شلیک نموده و بعد از
 شلیک کردن همه سربازان باید بدو نیکه اعمدانی بحالت شمن
 بنامید باید همه قتل قان از یاد بترکند که در حله اول شمن رتر
 افتاده حواسش سخته شود سربازانیکه در کین میباشند باید
 با یکدیگر متفق باشند تا بدین اسلحه صفت زیاد میست بد اشخاصی که
 در کین میباشند باید اول تیر و ده ارکان و ده خودشان هر چه

یکه که در آن محل هیچ وجه محتاج و مطلق نداشته باشد جنگ
 نجران بسیار مفید است و در جنگ میتوان کار برد و چونکه جدید
 باشد و من گزیده باشد خاص نجران در یک قشون شایسته
 پیشتر اول است و قشون بطوریکه بعد از این گزیده ایم کرد
 نجرانیکه در جلوه قشون است با یک اسب ستم قشود از لشکر دشمن
 تلف نماید و قوت دشمن اگر نماید سرگاه و در یک حلقه قشون من
 قرار دادن اشکوت داده میشود یک جمعیت بزرگ از نجران بیرون
 می آید از قشون بجهت پوشیدن خط و ستان غالباً سوار طبع دارند
 از اینکه صد مایه دشمن از رویا و درند و از ایشان یا تلف نمایند
 و نظام دشمن ابرسم بر تبه نجران را میفرستند و بیرون بجهت آن که

مکن

دشمن احاطه نمایند از اطراف میگردانند قشون دشمن گزیده کرده باشد
 یکی از موانع طبیعی را این صورت قشون می تواند بجای قشون
 پیشتر قشود بجای زنجیر و نجران را این صورت خاص را
 و حملی از قشون که نجران می شود باید مسرت زنجیر بند یک خردوار
 قشون عقبه می شود برای اجتماع نجران برای نیمی و داری از برای
 این عقبه که یک باید همیشه در یک موانع طبیعی می آید باشد و این
 موانع باید بطوری متعجب شود باشد که دشمن کام حمل بتواند
 پادار نمی نمایند پس از فرار دادن عقبه که یک یک عقبه بزرگ
 لازم است این عقبه بزرگ باید اقل از قوت قشون را داشته
 باشد که بجز نجران باید سرگردان قشون را دور شود بواسطه آنکه اگر

امدادی بجهت نجران لازم شود تا آنکه نجران مدد نماید
 بر شش که شش در حالت جنگ نزدیک دشمن میکند باید رود و اطراف
 از نجران پوشیده شود و اگر دشمن آتشون یا حمل نماید باید نجران
 بجای از جلو دشمن رود که روی ششون را نشود برای آتش کردن
 بطرف دشمن بقون نجران بر تکیه نکرده و در حالیکه نجران از جلو
 ششون بپشتی می رود و سرگاه در بین او باقی رسیده و جانی را پیدا
 نموده که بواسطه دشمنان او را بجا نماند کند باید ایستاد و دشمن
 حمل نمود و تیر اندازی نماید هر قدر در این وقت مانعی آید
 بجهت نجران بسیار مفید و از برای دشمن محل خطر است و چنانکه
 نجران بجهت صد روز دشمن می رود و باید ساید که از روی از طرف

دشمن حمل کند و حرکت سر اندازی است دشمن بجای نماید تکیه
 نجران در حالیکه دشمن در آورده باید نجران عقب نشیند و سر فیکه
 دشمن عقب نشیند باید نجران در آورده و پیش وند نجران باید
 بجای بجای که در از زمین که موانع طبیعی آید باشد و خودش آید
 بر ساید که موانع داشته باشد و سرگاه در حالت او دشمن نمی که
 مسطح باشد بر ساید و در آن محل نظام گرفته با نظام حرکت نماید
 و سرگاه با رجلی برسد که موانع طبیعی آید باشد و در این صورت
 نظام لازم نیست و در نظام جنگ سر فیکه نجران تواند پیش وند
 دشمن اشک به عقب نشاند و نزدیک بقون صد باید ایستاد
 صبر نماید تا آنکه ششون از عقب صد و دواست با شش پی در پی نماید

اگر نجران در فوجی باشد که ترس نداشته باشد از جبهه سوار دشمن باید در آن
 محل جمع شده بحالت گردپشته ای بگذرند و در سر جالی که خوف نواز
 داشته باشد گرد ب باید کرد و الا بحالت زنجیر مشوند و هر یک
 نجران با قوتش بگذرند بجزئی از نجران از سبیلای مکه و جزی از
 پائین مکه میروند و آن دشمن نمایند که صد سوار می دشمن اردیاید
 بعد از که دشمن از مکه می آیند و دشمنان میزند و صبری کنند تا
 قشون رسد بعد از آنکه قشون سید قطب نجران یک صف می شود
 بجهت که دشمن نجران زده معلول میدارد حرکات خود را همین قسم که
 از برای مکه مذکور است قیتم اگر در مکه یاده دشمن یاده باشد
 در روز و وقت داشته باشد اوقت عقبه بر یک پیش از نجران آمده

مکه یاده با دشمن جنگ نموده مکه یاده را در روز و از دشمن بگذرد
 بعد از آنکه گرفت قشون نجران اهل مکه یاده شده از بالای مکه
 تیر اندازی دشمن نمایند و هر یک یک قشون جنگ و گریز میکند اگر
 نجران پیشین اول قرار دهند و بکنند برسد و می که قشون از
 مکه گذشت چند نفر و آن سمت مکه می ایستد بدون حرکت تا آنکه
 همه نجران از مکه بگذرند در وقت حمله و دانه نجران صاحب منصب
 نجران را می باید منصب آن حرکت بداند حاصل که تمر شد است
 بواسطه بی نظمی و فاصله نجران دشمن تواند بطور سهولت غالب بر
 نجران شود جنگ کردن نجران را که بهتر است و همچنین در سایر
 مواضع طبیعی بجهت جنگ کردن نجران بسیار مفید است

در جنگ محاصره میشود قشون باید با قشون بخران رود و محاصره نموده
 کند و قشون شش از سرطانی بماند و در نسیاید در تعریف جنگ
 نمودن رکوه در جنگ کردن که صاحب نصب کل باید قشون
 بیک نقطه در که جمع کرده که قشون بایک مرکز متفق باشند هرگاه
 قشون متفرق شود بگوید یا دره بواسطه آنکه گاه اری بخارا نماید قشون
 دشمن بجهت حسیاید و کچلی تواند کل لشکر را شکست دهد در ولایت کوسا
 همیشه مواضع خوبی دارد و بجهت قشون لکن باستانی قشون ان اطراف کوسا
 احاطه نموده از شش دشمن محصور باشند و باید راه های سان که مهربان
 آمد و رفت میشود گاه اری مضبوط نمایند که قشون دشمن تواند صدقه
 پرشکر برده و قیکه گوی را احتیاج نمیکند بجهت قشون باید وقت

هر کوی که بزرگ تر و بلند تر از رکوه نامی یکراست رود و در آن
 محل قرار داد و همچنین راه های آن که در ابرجد از سمت معین نیاید
 بجهت آنکه کوه نامی رک را و نامی کم و کچک دارد بواسطه آنکه از
 آبادی و رستنه و کمر محل ترودور انجام میشود و باید یادداشت کرد که
 این راه نایک در کوه یافت میشود و بجهت خوب است از برای توپ
 و سوار خوب است آنکه مخصوص ای پاده نظام با مصرفات و
 همچنین سردار کل قشون باید ملاحظه نماید که چگونه کل و در آن محل یافت
 شود و بجهت قسم است و همچنین دو خانه نایک در قریب بان محل میباشد زیرا
 آب دارد و یکم آب است در اطراف آنکه فانی کل باید اطلاع بهم
 برساند که شهری یا قصبه یا دهست و اسباب طرود قشون را بجا

یافت شود و قشون دشمن را انجا میباشند یا آنکه انجا متصل بقشون
خودمان است و بجهت قسم در آن محل قشون جنگ نمودن زمین سطح است
یا آنکه مواضع طبیعی دارد و مکان نیکه باین گونه است یا در دره یا بر سر
دژ یا تاخت یا قنات یا قله و دشمن نمی تواند در آن محل مگر آنکه بالا و اطراف
این گونه نادره باشد و تصرف خود لشکر باشد گنجینه جنگ در گونه با صفت
و خوب است و یک صاحب منصب یا شور یا فرستاید از جمیع مواضع و احوال
و منافع آن سرزمین اطلاع بهم رسانیده باشد بعد از قشون در سر مکان
باشد در تعریف جنگ و احوال آن مواضع قشون جمعی بسته که
انتخاب کرده میشود و همه اوقات در اطراف قشون محل مسلح میباشند
و این جنگ و ستاد و مواضع آن همه قشون دشمن خطرناک است این موا

قشون آن که نباید جنگ بزرگ نماید اما همیشه نزدیک باطراف قشون
میباشند و بجله می چاک می هر حرکت را معمول میدارند و غفلت بر سر
دشمن میروند و همیشه قوای خود را دارند و این مواضع آنان مرکب است
از سواره و پیاده و عمارت و حکم یک صاحب منصب یا شور میباشند و این
مواضع آنان همیشه مندی شوند از آنکه بگذشت راه و منازل و تشریف
را و آنکه در اطراف و حوالی آن محکم است که در انجا جنگ میشود
اطلاع بهم رسانیده باشند بطور سهولت صدقات کلی بقشون دشمن
میتوانند و در پیروند و سرکاره بر خیزند و بیخیزی از قشون دشمن که دور از
قشون افتاده باشد مثل محل و دو تبه شکر یا نخواستند بمانند
یا محل قورخانه و غیره در این رت با کمال حرات و پانی اری یاب

بجه جنگ سواران سپه شود قابل رجب میباشد و الا نمی آید
 سواران جنگ کند و سواران لشکر چون نظام ندارند لازم است که
 چند فرمان بشویرا بکند از آن جمله من پیش است راست چپ
 عقب جمع شدن بر طرف که بخواهند صاحب منصب این سواران باشد
 پیش از آنکه برسد دشمنی و ندو محل انتخاب نموده بایشان نشان بدهد
 از آن محل پیش باشد اگر دشمن اشکبند و یکی در عقب باشد سرگاه
 از دشمن شکست بخورد که در هر صورت متفرق شوند و یک جا جمع شوند غایب
 به سواران از سربازان نظامی میدهند و باید سربازان از عقب
 نمایند و سربازان قابل رزک باشند و کلی این سواران مختار باشند
 در جنگ برنج که بخواهند با دشمن جنگ نمایند در جنگ سواران

از سربازان نظامی شدند جنگ سواران نظام چنانچه از سربازان
 نظامی در وقتی بجه سواران قرار میدهند که در آن محل عیث ساکنین
 قریه یافت شود در تعریف راه دشمن قاعده راه دشمن معلوم
 بملاحظ نمودن این کار زمین صاف باشد مشن سیر و باستان پوشیده
 شوند اسطسوار نظام و سرگاه زمین قطع شده باشد باید پاد نظام
 سوار نظام را بپوشاند و یک زمین باید پوشانده و در خانه و سایر آباد
 و فرو باب لشکر پوشیده شود بواسطه نظام هر یک یک مشن بجای
 شوند در راه باشد باید چه تعریف از سربازان کاره کارکنی آید
 که همه کاهل را راه یا خبر نماند که در سر راه مشن باشد و جود مشن
 باشد و دست نمایند و اسباب کار باید سربازان نامرچ باشد

اگر لازم باشد مرکز قوتی را در فصل تبستان مامور می نماید در صورت
 ماموریت شب بیدارگی می نماید حرکت کند در محلی که کان شمن سر و در
 صبح حرکت نماید و از روز خانه بی نیاید عبور کند و صورتی که پیاوست
 بگذرد و بهتر این است که صبح عبور نماید و پل بسازد یا هر چه که میسر شود
 یا تحت یا با عاوه و زرد و بسیار که مطلق حاصل شود اما باید اسباب
 و ظروفات جدول تبین بر می قوت باشد بخصوص رنگ که خیلی لازم است
 بلکه بعضی اسباب از ضرورت است که باید باشد که باشد و سرگاه در جای
 قوتی را در است باید بر حرکت نماید اگر لازم نباشد از ایست
 قطع ساق شود و در صورتی که کان بر خوردن شمن نباشد سرگاه
 و تندی حرکت شود و خوشان مال خسته می شود و صد می خورد با این

اگر به شمنی خود را طوری که باید حرکت کند و قوت نماید تا باشد سرگاه دور
 یافت شود یک صاحب منصب یک کلید و سران او قوت نماید
 اگر سر باز آید شمن بگوید که اگر که ام طرف بیاورد و این صاحب منصب
 باید باشد تا که هیچ قوت بگذرد و پیش از آن که بگذرد سر و قوت بخواند
 از یک و بگذرد باید از اطراف آن و خاطر جمع شود که قوت شمن
 انجام نمی شده باشد و جمعی از قوت کل و می یستند تا که هیچ قوت
 اسباب فرد و تایشان بگذرد و باید از یک قوت بقیه و شمن استادی
 نماید سرگاه قوتی مامور بر حدی و لای می شود اگر صاحب منصبان قوت
 کسب باشد که اطلاع از آن او داده باشد خبر برسد و رسید و الای
 سر و کل با یک نفر این اخبار را معلوم نماید که از هر قوت چه قسم او یافت

میشود اما عبور قشون از جنگل با اطلاع ورده و کوه و تپه میباشد یا دلت
 و قصبه است هم در راه است طول مسافت قشون از جنگل کوه و تپه و قله میباشد
 و باید اطلاع جمیع سید که زمین انجا چه قسم است از جنگل و سایر موانع
 باید عبور شود و یا از زمین صاف و در راه بچه قشون می تواند حرکت نمایند
 و کدام یک از سواران را بدارد و یا از قله یا تپه و در میان راه اطلاع
 سردار کل باید بهم رساند که در راه خط و تخی بچه قشون حاصل شود و در
 شش تپه قشون سه خیمه و یا سه تیر اندازی چاکلی نظام راه و قشون است
 قسم است یا شش تپه یا عقب و یا بطرفین کاه قشون را برهنی برسد
 که نباید حرکت نمود پس قراولان هم حرکت نمی نمایند در راه و قشون عقب
 مدتها سرستون یک مرتبه اولی دارد که دشمن نمی گذارد و از عقب مانده

شود و یا از تپه نمایند تا اینکه قشون یک موضع خوبی را معین نمایند سرکار
 قشون را مرتب چلو باشد و طر فیلد روی دشمن است باید پوشیده شود
 از یک بنجر خمران در زمین تمام قله زمین است که از چهل قشون
 در آن زمین لازم است سر و قله قشونی بجای قشونی در نزدیک دشمن
 حرکت نمایند نظامی که بهترین نظام است سید و همچنین مازد کل کار
 افواج را بحالت ستون جتیاورد و بسیار مفید است در جاسوسان
 پیش اول سر کار یک ستون عبور از ولایت دشمن نمی کند تا آنکه اخبار
 راه نامی انجا را حاصل نمایند دوم در چمن زمین سطح این بخش محل
 بواره میباشد و زمین مقطع از فیل و روه و تپه و سایر موانع پیدا
 نظام مرجع میشود سرکاره جاسوسان پیش قراول جمع باشند با کرا

سیاه چاق قری برود باید ملاحظه وقت نمایند یا در پیش و اطراف که
 پیش اولان که متعلق بخودشان است نمیشوند و از نظرات غایب
 نگردد و جو جاسوسان هم باید مرکز را یکدیگر خارج شوند و همیشه بار
 همیشه بار امفی خاموشی حرکت نمایند و بطور امکان پنهان میروند همیشه
 یکدیگر را متوجه میشوند و در هر یک از تنزل باغ و تپه و ده و غیره اگر در میان
 سطله که دشمن اینست خبر میدهند بفرماند پیش اولان خود پیش اولان
 مخفی میشوند یا که در جایی مخفی میشوند مرکز را و این جاسوسان که با دشمن
 شوند باید بجه اخبار پیش قسم اول تیر اندازی نمایند و سایر وقت نیاید
 مرکز تیر نمیکشند و در وقت شب آن ندارند که از پیش قراول یا در تن
 دور شوند یک پیش قراول مرکز در میان یکدیگر یا چکل غیر میشود اگر

جاسوسان هم پیش قدم باشند و خبری را ایشان میدهند باشد باید صبر
 نمایند تا خبری رسد و میگویند که دشمن شش جاسوسان را گرفته باشند و در
 کهن پیش قراولان سینه باشد تکلیف پیش قراولان در حالت ادهن
 و یکدیگر دشمن متحد باشند پیش قراول مرکب از سر جرمون و توپ خانه
 باید نسبت است باشد بلسکه در کمی زیادی قوت پیش قراولان دشمن
 باشد و این پیش اولان یک پیش قراول یک را با مور می نمایند پیش اولان
 زنجیر و رطل و اسباب و از خودشان چند نفر انتخاب نموده بجا میروند
 بطوری که در پیش کرشد و بعد این پیش قراولان مناسبت نمایند به جبهه
 جمعی دشمن بطوریکه در مرش کرشد و پیش قراولان بدینجه یک راه نمادند
 داشته باشد که راه مانعی ندارد اما باید بطوریکه در وقت غارت راه را قطع

او تواند فرمایند و باید این را و نالیدت را در اوج بداند
 بر تل این او را باید عرض کنند در راه پیش اول خبر بگوید
 کسیکه در راه ملاقات کند از دانی یا سافیا از سر بارانیک از قون
 دشمن فرار کرده باشد سرچ اخبار پیش قراول بداند یک پیش سر و اکل
 که سردار این خیانت دشمن اطلاع بهم رسانیده باشد هر وقت یک پیش
 قراول یک ده توقف نماید و فرماید پیش قراولان دشمن
 این را بطلبید و از آن خبر بیاورید از حالت دشمن از اطراف آن
 پیش قراولان چاره و راحت می نمایند تا آنکه دستا گرفت آن ده
 جمع شوند در حالت اوج قون و کسیکه پیش قراولان سر و در راه
 یک صاحب منصب نیاند با یک کیل بر سران راه تا آنکه قون برسد و

بر و خار برسد که چنان باشد یا راهی که خراب باشد باید با آن
 عهد دانی که برای ایشان است آن پل را در آن می رود و دست
 تا وقت رسیدن قون مطلق حاصل نشود هرگاه در بین او یک و ده
 برسد پیش قراولان نالیدت کند و در قون آن را فرموده تا آنکه اطمینان
 دست از آن راه بهم رسانند اگر دشمن خرد مکانی برای خودشان
 تعیین نمایند بجهت جنگ نمودن و در قون دشمن اخبار نمایند و
 لازم باشد اخبار خود به یک دیگر کرده است است عقب می رود بطوریکه
 قون دشمن متوجه داشته باشد که مسلح و آماده جنگ شوند پیش
 قراول میوه در راه بار می رود و بالا بخشان و در و فیک برسد
 داخل شهری می دانی در رسیدن آن جنگی در این جا باطل و شور می رسند

و در سایر جا بانی بسته فاصله پیش قراول از قشون معلوم است که یک ربع
 سرگاه قشونی بخوانند و آنگاه جنگ شود ملاحظه نمایند که چه قدر قشون وقت
 لازم دارد برای آماده شدن جنگ مثلاً سرگاه قشونی یک ساعت وقت
 لازم داشته باشد که سطح و آماده جنگ شود پیش قراولان یک ساعت قبل
 قشون شروع بجنگ نمایند و ملاحظه کرد و میشود و همین قسم تجدید پیش قراول
 در حالت راه رفتن پیش قراول مرکب است پیش قراول که در سابق
 ذکر شد اما بجهت اینکه یک قشون عقب قدری خوار و زمین است باشد پیش
 قراول اقرار میدهند و عاید و دیگر هم دارد که ذکر میشود و جمیع پیش قراول
 باید که از پیش قراول باشد اما پس قراول هم باید ملاحظه لشکر نماید و در
 مواضع نباید از عقب و اطراف خود نگاه گاهی می آید و ملاحظه نمایند

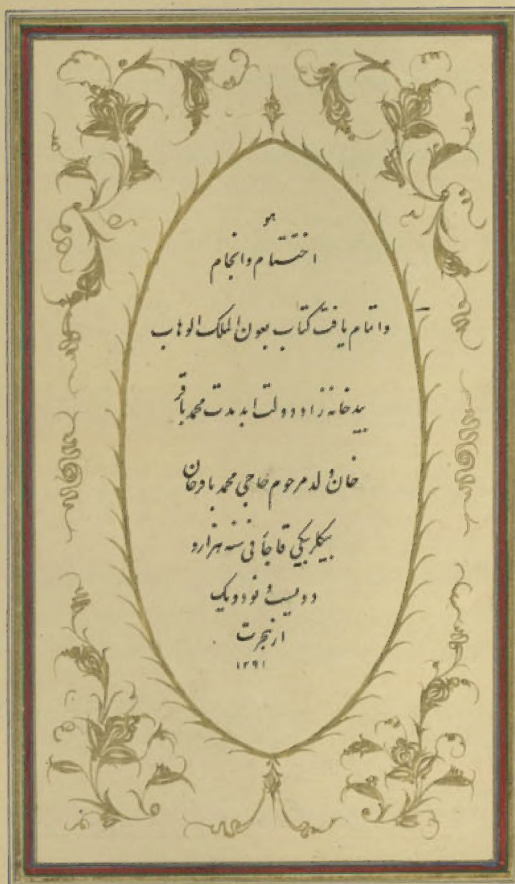
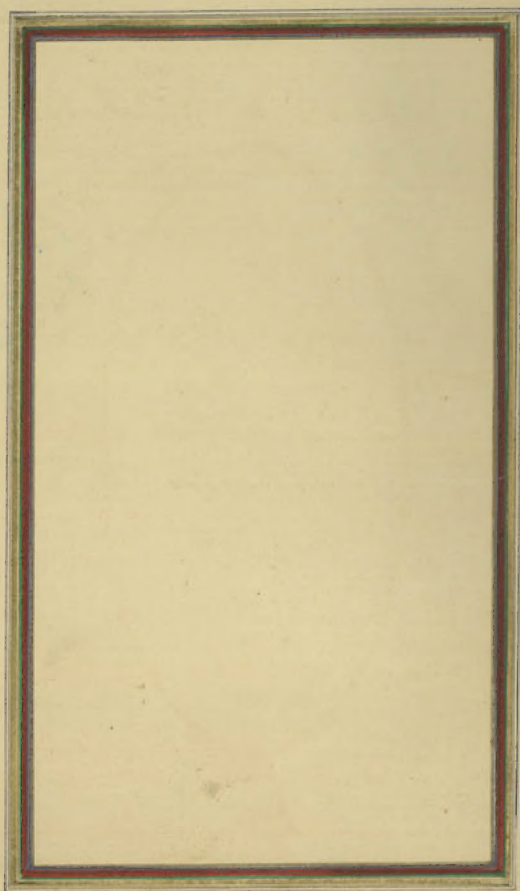
که دشمن از عقب زند پس قراول توجه میشود و ملاحظات قشون او
 سر باز آن نمک اند قشون او و عقب بماند و قشون عقب حرکت نکند
 در نزدیکی دشمن را آن وقت کالیف رخت پیش قراول یا میشود و در این
 صورت پیش قراولان جمیع خود را زیاده نمایند و این پیش قراولان
 باید از سر باز آن عقب کرده باشند بجهت اینکه پس قراولان باید زیاده
 ملاحظه و با حراست باشد و نمک و دشمن پیش قراولان ملاحظه نمایند این پیش
 قراولان حالت نموده جنگ نمایند و کم که عقب می نشینند و فرمانده کل
 قشون اطلاع میدهند سرگاه قشون دشمن یا و باشد و توانست برود
 این بر این پس قراولان فرار بیای قشون ایستاده و نمی که از یک
 چیز از آخرش چه از و آماده عقب بماند قبل از آنکه قشون حرکت نماید

فرمانده کلیه جیس مختلف قشون اینستند در پیش اگر خفا پیش
داشته باشند و رعب بمانند و لیکن رپلوی قشون بهتر خواهد بود
از همه جهت تحلیف کاروان نظامی پروی کاروان نظامی کار صعب و
و شکلی است بجهت اینکه کاروان نظامی میسر و در خفاست از کین شش
و سواران شش مرد اوقات انتظار بکین از نه بجهت و سیکر نمودن کاروان
نظامی بجهت اینست که کاروان نظامی میسر و در رعب قشون حرکت
جمعی که با کاروان نظامی حرکت میکند باید مناسب داشته باشد بجهت
و کیفیت راه بطور هم رعب داده شود که بتواند یکدیگر را کمک نماید
قراول کاروان نظامی یکبار پناه و نظام مستند اما قدریم از راه
نظام میباشند و این سوارکان سیروند از پیش از رعب و از اطراف

که مبادا دشمن کین کرده باشد چنان که کاروان نظامی روشن یا وقت
دارد ازین جهت است که شش قشون از پیش پس شش قراول پس قراول و
هرگاه پیش قراول پس قراول سوارکان یکبار سوار بجهت میباشند
بجهت خرد شش نماید در شش اول کاروان حالت نماید و یکدیگر
جمع شوند بطرقی که در ترکیب باشند و سر قدر که تواند نماید فاعل در
مابین آنها زیاد باشد جمیع کاروان متوجه شوند که کاروان است شش حرکت
نمایند از ترس اینکه مبادا دشمن جدا کرده باشد و از ترس یکدیگر جدا
نمایند فرمانده جمعی که همراه کاروان است قبل از آنکه از ترس خود حرکت
نمایند احکام لازم را بجهت کسی میدهد و بان شاخص نماید جای خود را
در وقتیکه دشمن بفرزند بعد از آنکه اگر کیفیت او خود را فرمانده مطلع شد

باشد و جاسوسان هر وقت باید در اطراف به تعین باشند در جای که می
 از قشون دشمن جنگ و گیر کرده عقب رود باید متعین کاروان نظامی متب
 دشمن زد و میوه جلد کرده باشد و متعین اعراب داده شوند گیر آورین
 که آتش بسته باشد و کاروان اوس گیر نماید هر وقت که دشمن بکاروان
 نظامی حمله نماید بجای که میانید پس را میجرت باید قراولان کاروان
 نظامی همیشه حاضر باشند که در حمله اول دشمن امانت نمایند بعد از آن
 بجای که کاروان از حمله دشمن خلاص یافت برودی سرود که یک طایفه کجی
 سپه انانید که یا اطمینان خودشان شود از برای لایزال این
 قهره اسان است از سایر جاهک بجای آنکه عرض عاده بچار پان جل
 و نقل شود و فیکه کاروان نظامی در راه یک تکه برسد بطریق دیگر
 که در راه رفتن کشت و میوه سواره و پیادگان را قراولان کاروان نظامی

بجاسوسی اطراف تکه و ماسور و پیاده میروند کاروان نظامی کاروان یک جانی
 شده هر و فیکه جز از جاسوسان سید پیش حرکت نمایند و بجای میروند
 که از مواضع مذکور بگذرند و برین عوار برسند بجای آنکه اگر در ده و تکه و تکه
 ماسور نماید خوف دارد و بجای آنکه مواضع این رین مواضع پشرازی
 مکان ناکین نمایند و حمله بکاروان بهوت میو اتند بناید هر وقت که کاروان
 کاروان نظامی همراه خود قور حار داشته باشد در آن وقت جای
 کاروان اجبرای شوند کل قرار میدهند و غن نمایند و قراولان مخفی
 میکارند که در آن محل غلبان آتش بزنند و کس که جز این قراولان در
 قور خانه چپ در آن محل آمد و رفت نمایند که صاحب منصب کل بجای معین قور خانه



قرآن که چو بر این قلم می نویسم
 علم خانه خفته غم از آبر
 علم خانه خفته است هر چه بر جرم کفایت کند
 رسته و نیز بعد از کفایت علم در درگاه دار لغت
 دفتر کتابش نه بر نگه دارد این از شعر و کلام
 و ما مررت با فخر و صفا تا کنونی شعر و کلام را از خانه
 حرف فدا تا قافیه و سجع از این فضا
 در دست موهب سر سبز و سوزان در درگاه این علم
 بهای بکلیش نگران و حکمت محبت حال نیست
 علم خانه خفته است هر چه بر جرم کفایت کند
 از دفعه ای که در علم و سوزان در علم و در درگاه
 علم و کلام در درگاه عقل و حکمت و سوزان در علم و در درگاه
 آنها در درگاه سوزان که است بر جرم کفایت کند
 هر چه بر جرم کفایت کند علم و سوزان در علم و در درگاه
 از دفعه ای که در علم و سوزان در علم و در درگاه

